

تجزیه و ترکیب جمله

آنچه تا به حال دانسته‌ایم به این منظور بوده است که بتوانیم اجزای جمله را بشناسیم و از روابط این اجزا با یکدیگر آگاه شویم . پس در باره هر جمله دو گونه بحث باید کرد :

۱ - بحث صرفی که شناخت اجزای جمله یا کلمات است و این بحث را «تجزیه جمله» می‌خوانیم .

۲ - بحث نحوی که شناخت روابط اجزای جمله با یکدیگر است و این بحث را «ترکیب جمله» می‌خوانیم .

بنابر این هرگاه جمله‌ای را برای تجزیه و ترکیب در نظر بگیریم باید آن را دو بار ، هر بار از یک نظر ، مورد بحث قرار دهیم .

برای مثال جمله ذیل را طرح می‌کنیم :

برادر بزرگ من که سالها در سفر بود، دیروز به تهران برگشت .

تجزیه این جمله یعنی بحث در باره اجزای آن چنین می‌شود :

تجزیه جمله

اسم - جامد - مفرد	برادر
حرف نشانه	=
صفت توصیفی - جامد - وابسته برادر	بزرگ
ضمیر - شخصی - جدا - اول شخص - مفرد	من
حرف ربط	که
قید زمان - جمع	سالها
حرف اضافه - ساده	در
اسم معنی - جامد - مفرد	سفر
فعل ساده - ماضی مطلق - سوم شخص - مفرد	بود
قید زمان - مرکب	دیروز
حرف اضافه	به
اسم خاص	تهران
فعل پیشوندی - ماضی مطلق - سوم شخص - مفرد	برگشت

اما برای ترکیب این جمله یعنی شناخت روابط اجزای آن با یکدیگر باید نخست در یابیم که جمله ساده است یا مرکب .

هر جمله مرکب شامل يك فراکرد پایه و يك يا چند فراکرد پيرو است. فراکرد پایه آن است که غرض اصلی گوینده بیان معنی آن است . فراکردهای پيرو هر يك وابسته به یکی از اجزای فراکرد پایه هستند یعنی معنی آن جزء را تمام می کنند یا جانشین آن جزء می شوند .

پس در جمله مرکب باید ابتدا «فراکرد پایه» را مشخص کرد و سپس فراکردهای پیرو را .

پس از آنکه فراکردها را از یکدیگر جدا کردیم، ابتدا اجزای اصلی یعنی اسم یا ضمیری که اصل نهاد است و فعلی را که اصل گزاره است معین می‌کنیم و آنگاه اجزای دیگر و رابطه‌ای را که هر يك با دو قسمت اصلی جمله دارند، از هم تشخیص می‌دهیم .

اکنون برای مثال همان جمله را که از نظر صرفی تجزیه کردیم این بار از جنبه نحوی مطرح می‌کنیم :

برادر من که سالها در سفر بود، دیروز به تهران برگشت .

نخست توجه می‌کنیم که این جمله مرکب است یعنی بیش از يك فعل در آن هست. این دو قسمت را چنین از یکدیگر جدا می‌کنیم:

برادر من دیروز به تهران برگشت = فراکرد پایه

که سالها در سفر بود = فراکرد پیرو

فراکرد پایه :

قسمت نهاد = برادر بزرگ من

برادر = اصل نهاد

بزرگ = وابسته نهاد

من = وابسته نهاد

قسمت گزاره = دیروز به تهران برگشت

برگشت = اصل گزاره

به تهران = متمم فعل

دیروز = قید زمان

جملهٔ پیرو : وابسته به نهاد جملهٔ پایه (برادر)

قسمت نهاد: برادر (محدوف)

قسمت گزاره: سالها در سفر بود.

بود = اصل گزاره

در سفر = متمم فعل

سالها = قید زمان

